



۳۵۹ دشت در خطر فرونشست

میزان بارگذاری مصارف بر ۶۰۹ دشت کشور به میزانی افزایش یافته است که هم‌اکنون ۴۲۲ دشت در فهرست ممنوعه و ممنوعه بحرانی قرار گرفته و ۳۵۹ دشت کشور نیز با خطر فرونشست روبه‌رو شده است. به گزارش شبکه شرق، عیسی بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب با تأکید بر اهمیت کاهش برداشت از منابع آب زیرزمینی گفت: «با ورود و بهره‌مندی از تکنولوژی و حفر مکانیزه چاه‌های کشاورزی، برداشت از آب چاه‌ها به سرعت افزایش یافته و روزبه‌روز این روند تشدید می‌شود.» او با بیان اینکه امروز فرونشست به خانه‌ها و خیابان‌ها در کلان‌شهرها رسیده است، گفت: «بر اساس مفاد سند ملی دانش‌بنیان امنیت غذایی و نقشه راه آب، باید میزان برداشت از منابع آب زیرزمینی به نصف کاهش یابد. در چنین شرایطی از دست رفتن آبخوان‌های مهم کشور، سرعت گرفته و لازم است که مدیریت و مصرف بهینه آب در بخش کشاورزی به‌عنوان اصلی‌ترین مصرف‌کننده منابع آب زیرزمینی و نیز سایر بخش‌ها به‌صورت جدی در دستور کار قرار گیرد.»



فوت در مراسم گردوزنی

بر اساس اعلام رئیس مرکز اورژانس ۱۱۵ استان همدان، پنج نفر در همدان در مراسم گردوزنی به‌علت پایین افتادن از درخت گردو فوت کردند. محمدرضا شکوهی در این باره گفت: «شهرستان تویسرکان قطب گردوی کشور با ۵۸ نفر مصدوم و سه نفر فوتی بیشترین تعداد مصدوم و فوتی را داشته است. در این حوادث سقوط از درخت، علاوه بر تویسرکان، شهرستان همدان نیز طی این مدت دارای ۳۱ نفر مصدوم، ملایر ۲۲ نفر مصدوم، نهاوند ۱۳ نفر مصدوم و دوفنر فوتی، رزن هفت نفر مصدوم، بهار دوفنر مصدوم و کیودراهنگ یک نفر مصدوم بوده است.» او ادامه داد: «در این حوادث بیشترین نوع صدمات وارده: آسیب به ستون فقرات، اندام‌های دست، پا، لگن، سر و گردن است.»



هشدار درباره زندگی معلولان فقیر

محمود کاری، مدیرعامل انجمن ندای معلولان ایران با اشاره به اجرائی نشدن ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان به شکل درست و کامل گفته است که این قانون شرایطی را برای معلولان شدید -که امکان کار ندارند- در نظر گرفته است که طبق آن، باید مطابق با حداقل دستمزد در قانون کار به آن‌ها مستمری پرداخت شود. این قانون لایحه‌ای بوده که دولت وقت آن را تقدیم مجلس کرده و مجلس نیز آن را به تصویب رسانده است؛ پس قاعدتاً باید بودجه‌ای برای آن در نظر گرفته شده باشد. به گزارش ایلنا، او با اشاره به کمک معیشتی افراد معلول بسترگرا ادامه داد: «به دهک‌های یک تا سه، مبلغ یک میلیون تومان و به دهک‌های بالاتر ۵۰۰ هزار تومان تعلق می‌گیرد که این مبلغ تنها به خرید یک کیلوگرم گوشت کفاف می‌دهد. درحالی‌که یارانه معیشتی -که باید از طرف دستگاه‌های حمایتی مانند سازمان بهزیستی و... به افراد معلول پرداخت شود- باید به گونه‌ای باشد که حداقل ۵۰ درصد از مشکلات افراد دارای معلولیت را پوشش دهد. نگهداری از حتی یک فرد معلول خفیف، هزینه‌های خانوار را حداقل به میزان ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش می‌دهد.»

۱۰۰ سال در وضعیت انقلابی مزمین

جامعه‌شناسان و اساتید مطالعات فرهنگی، انواع گفتمان‌های اجتماعی و فعالیت‌های مدنی را نقد کردند

ببین برده است. خانواده از دل این گفتارهای نسل‌گرایی بیرون می‌آید. این گفتمان به دنبال یک‌دست کردن نسل‌هاست. گفته می‌شود که نسل‌های گذشته خوب بودند و نسل جدید هیولاست. این نسل به خیابان می‌آید و فکر می‌کند که می‌تواند نظم را بر هم بزند. در ادامه اما این جامعه‌شناس معتقد است که جامعه ایران، قدرت دارد و در مقابل تمام این گفتمان‌ها ایستاده: «جامعه ما هم در مقابل شعار «رضاشاه، روح شاد» ایستاده، هم در مقابل گفتمان‌های نئولیبرال و هم در برابر تاجر سنتی. اما سوال این است که آیا تمام جامعه ایران در مقابل این گفتمان‌ها ایستاده؟ قطعاً خیر. ما نیازمند چارچوب‌های نظری هستیم که بتواند این دوسویه‌گی موجود در جامعه ایران را به‌طور هم‌زمان ببیند و به ما امکان دهد که در عین حال که گفتمان‌های زوال‌گرا را جدی می‌گیریم، نباید با آن هم شوخی کنیم. نقد من این است که این گفتمان، نگاه یک‌سویه در دیدن فرآیندهای ساخته شدن جامعه دارد. آنها نمی‌توانند مشارکتی در دیدن فرآیندهای ساخته شدن جامعه داشته باشند، از نظر سیاسی یا به‌درد محافظه‌کاران می‌خورند که مدام ما را برترسانند و بگویند که بروید خانه، اوضاع خطرناک است، یا به‌درد اصلاح‌گرایانی می‌خورند که با آن حکومت را برترسانند و خودشان بر سر قدرت بروند و جامعه را فراموش کنند. بنابراین ما نیازمند دستگاه نظری پیچیده‌تری هستیم که بتواند این دوسویه‌گی را نشان دهد.»

به گفته او، گفتمان زوال‌گرا در فهم جنبش‌های اجتماعی و لحظاتی که درون جنبش‌های اجتماعی در جامعه ساخته می‌شوند، هیچ حرفی برای گفتن ندارند؛ لحظه‌ای که مردم کردستان از سیستان و بلوچستانی‌ها حمایت می‌کنند یا وقتی یک ایرانی نگران یک افغانستانی است و برایش شعر می‌سراید. آنها نمی‌توانند این‌ها را درک کنند. در کنار اینها مسئله دیگر، دانشگاه است. دانشگاه دولتی در ایران در برابر استبداد مقاومت کرده است؛ دانشگاه همواره بخشی از فرآیند مدرنیته در ایران را به دوش کشیده است. این جامعه‌شناس که از دانشگاه اخراج شده تأکید کرد که با وجود این اتفاق، همواره از نهاد دانشگاه دفاع کرده: «همواره اساتید پرحاشیه دانشگاه بوده‌اند که جریان‌سازی کرده‌اند و حرفی برای گرفتن داشتند. به‌طور کلی حمله به کلیت دانشگاه، کار گروه‌های محافظه‌کار است، همه ما در دانشگاه تفکرهای انتقادی را تجربه کرده‌ایم که ما را از سنت‌های محافظه‌کار جدا می‌کند. در ایران اکنون ۲۰ میلیون نفر تحصیلات دانشگاهی دارند و این مسئله می‌تواند جزئی از قدرت جامعه به‌شمار رود. اگر جامعه

اخلاقیات و شکلی از نهاد خانواده رو به زوال رفته است. اما نکته اینجاست که این گفتمان زوال‌گرایی است که در پایان قرن نوزدهم به‌شدت در جامعه غرب رشد پیدا کرد و بخشی از آن هم متأثر از ادبیات بود.» او ادامه داد: «در این ادبیات تأکید می‌شود که نظم و ارزش‌هایی از بین رفته و ساختارها فروپاشیده است، نیچه و هایدگر دو فیلسوفی‌اند که سرمنشأ این گفتارهای زوال‌گرا به‌شمار می‌روند. یکی از نتایجی که از دل گفتارهای زوال‌گرا از نظر سیاسی خارج شده، مطرح شدن اقتدار نجات‌بخش است، یعنی زمانی که شما به‌طور مداوم بر زوال و از بین رفتن جامعه تأکید می‌کنید، آن زمان به یک اقتدار کاربزماتیکی نجات‌بخش پناه می‌برید که بیاید و جامعه را نجات دهد. این مسئله در اندیشه نیچه و هایدگر مشخص است، چرا این مسئله بیان می‌شود؟ چون آنها نمی‌توانستند به‌طور هم‌زمان هم زوال شکلی از جامعه را ببینند و هم امکان‌هایی که جامعه با آن ساخته می‌شود. بنابراین به یک اقتدارطلبی که نجات‌دهنده است، پناه می‌برند.»

به گفته این استاد دانشگاه، چهار شکل از گفتمان زوال‌گرا وجود دارد؛ یکی جامعه‌شناسی محافظه‌کار در ایران است. در این جامعه‌شناسی، از افول اجتماعی صحبت می‌شود که اقتدارگرایی سلطنت‌طلبی در دل آن وجود دارد و حالا با تلاش برخی از رسانه‌ها بخشی از فضای جامعه را گرفته. به هر حال این جامعه‌شناسی هر چه باشد، در آن دموکراسی دیده نمی‌شود. شکل دوم، گفتمان‌های نئولیبرال است که به‌طور مداوم از آن صحبت می‌شود. در این گفتمان جامعه با مجموعه‌ای از ابربحران‌ها روبه‌روست.

این جامعه‌شناس معتقد است موضوع جدیدی که از طریق این گفتمان راه افتاده، ناترازی است: «به‌طور مداوم گفته می‌شود که با مجموعه‌ای از ناترازی‌ها مواجه‌ایم، این آخرین فرصت است، همه‌چیز در حال از دست رفتن است، اگر نجنبیم همه چیز نابود می‌شود. آنها به دنبال شوک‌درمانی هستند. می‌خواهند قیمت بنزین و کالاها را بالا ببرند. این شوک‌درمانی هم نوعی از اقتدارگرایی است که باز هم نشانه‌ای از دموکراسی در آن دیده نمی‌شود. یعنی به‌رغم خواست جامعه می‌خواهند با فشار و پروپاگاندا رسانه‌ای، هدف‌شان را پیش ببرند.»

به گفته ذاکری، شکل سوم این گفتمان، تاجر سنتی دینی است که به‌طور مداوم تأکید می‌کند که اخلاقیات از بین رفته است: «ما این موضوع را از دهه‌های ۳۰ و ۴۰ می‌بینیم، در این گفتمان گفته می‌شود که زن از خانه بیرون آمده، جامعه را دچار آشوب کرده و سنت‌ها را از



زهرا جعفرزاده

خبرنگار گروه جامعه

آرمان ذاکری

جامعه‌شناس:

مشکلی که گفتارهای زوال‌گرا دارند این است که همواره به ما می‌گویند نظم اجتماعی، جامعه و همبستگی اجتماعی و اخلاقیات در حال از بین رفتن است، به ما تأکید می‌کنند که اکنون در بحران اعتماد اجتماعی و بحران همبستگی اجتماعی قرار داریم. البته این حرف‌ها به درستی بیان می‌شود و نباید تردیدی داشت که اعتماد اجتماعی از بین رفته و شکلی از اخلاقیات و شکلی از نهاد خانواده رو به زوال رفته است

▼ **نادیده گرفتن همبستگی اجتماعی**

آرمان ذاکری، جامعه‌شناس و عضو سابق هیئت علمی دانشگاه مدرس است. او در این نشست، درباره همبستگی اجتماعی صحبت کرد. به گفته او، در سال‌های اخیر همبستگی اجتماعی ذیل گفتمان‌های زوال‌گرا، نادیده گرفته شده است: «مشکلی که گفتارهای زوال‌گرا دارند این است که همواره به ما می‌گویند نظم اجتماعی، جامعه و همبستگی اجتماعی و اخلاقیات در حال از بین رفتن است، به ما تأکید می‌کنند که اکنون در بحران اعتماد اجتماعی و بحران همبستگی اجتماعی قرار داریم. البته این حرف‌ها به درستی بیان می‌شود و نباید تردیدی داشت که اعتماد اجتماعی از بین رفته و شکلی از

